

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والنٲین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

۲۷ فبروری ۲۰۲۷



فراموشی هرگز!

صد سالگی طرح دائوز

[احساس خطر جنگ جهانی و دلایلی که باعث ترجمه و انتشار مطلب پیش رو شد:

۱- به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک (فارسی)، نخست وزیران ایتالیا، کانادا، بلجیم و همچنین، رئیس کمیسیون اروپا [روز ۲۴ فبروری] با قطار وارد کنیف [اوکراین] شدند. باریس جاتسون، نخست وزیر سابق انگلیس نیز وارد این کشور شد.

۲- رئیس کمیسیون اروپا: ۴ و نیم میلیارد یورو از برنامه کمک‌ها در ماه مارچ به اوکراین منتقل خواهد شد. اورسولا فون در لاین در جریان سفر خود به کنیف در باره گام‌های بعدی برای کمک به اوکراین به مبلغ ۵۰ میلیارد یورو صحبت کرد (همین منبع).

۳- [درس‌های نیاموخته جنگ](#)

۴- [امریکا در جهان، صادرات آئینی جنگ](#)

۵- [اروپا به منزله مستعمره امریکا](#)

۶- جنون جنگی رژیم‌های امپریالیستی- فاشیستی که بعد از دو سال جنگ در میدان اوکراین با روسیه، قصد دارند این بار به جای المان، با آماده کردن اوکراین یک جنگ جهانی گسترده به راه اندازند.

۷- هجوم خونخواران غربی-صهیونیستی به فلسطین برای نسل‌کشی، اخراج جمعی مردم فلسطین و تصرف بقایای سرزمین آن‌ها درست مثل قتل‌عام و نسل‌کشی مردم امریکای شمالی از اواخر قرن پانزده و تشکیل کشورهای جعلی در پی عملیات شبیه‌سازی شده طوفان الاقصی در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳].

در مورد آماده کردن قدرت نظامی المان توسط آنگلو ساکسون‌ها برای پیشروی بیشتر به شرق

امروزه در برخی از کتاب‌های درسی تاریخ روسیه (داخلی، خارجی، جهانی)، «طرح دائوز» تنها در یک عبارت، بدون رمزگشایی یا جزئیات ذکر شده است. در این میان، نقش این طرح در تاریخ معاصر جهان بسختی قابل ارزیابی است. امسال ۱۰۰ سال از اجرائی شدن «طرح دائوز» سپری می‌شود. و این دلیل خوبی است برای تجدید خاطره در باره تاریخچه تهیه، تصویب و اجرای طرح دائوز.

اگر بخواهیم تعریف فشرده‌ای از طرح دائوز ارائه دهیم، این مرحله اول طرح نخبگان آنگلو ساکسونی در آماده کردن المان برای جنگ جهانی دوم بود. المان به عنوان کشور شکست خورده در جنگ جهانی اول، در کنفرانس صلح پاریس (سال ۱۹۱۹) توسط کشورهای پیروز (در درجه اول، چهار بزرگ - امریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا) به پرداخت غرامت به فاتحان محکوم شد. میزان غرامت‌های تعیین‌شده برای المان بسیار حیرت‌انگیز بود: ۲۶۹ میلیارد مارک طلا! برای این که این رقم برای خواننده قابل تصور باشد، آن را به واحدهای فیزیکی با محتوای طلای قیل از جنگ در مارک المان، تبدیل می‌کنم: حجم مطالبات غرامت از المان حدود ۱۰۰ هزار تن فلز گرانبها بود. برای استناد: در آستانه جنگ جهانی اول، ذخایر رسمی طلای المان حدود ۱۰۰۰ تن بود. بر اساس برآوردهای کارشناسانه برخی پژوهشگران تاریخ، تولید ناخالص داخلی سالانه المان در آستانه جنگ جهانی اول حدود ۵۰ میلیارد مارک طلا بود.

اقتصاد المان در سال‌های اول پس از جنگ در وضعیت اسفناکی قرار داشت. المان قادر به پرداخت مبلغ قابل توجهی از غرامت نبود و خودش برای بهبودی شرایط اقتصادی به پول نیاز داشت. علاوه بر این، در گروه کشورهای پیروز در مورد اولویت ادعای غرامت آن‌ها از المان، تضادها و درگیری‌های حاد شروع شد (به معنای واقعی کلمه، یک کشمکش برای جای‌گیری در صف به وجود آمد). اختلافات بر سر این موضوع به ویژه بین انگلستان و فرانسه بالا گرفت. ایالات متحده امریکا در این نزاع شرکت نکرد و سخاوتمندانه از غرامت امتناع کرد. در عین حال، فرانسه برای «دوشیدن گاو المانی» آماده بود تا حالت اشغالگری خشن در جمهوری وایمار برقرار نماید. فشار غرامتی بر المان از جانب فاتحان، جلو رشد اقتصادی المان را گرفت و خرابی اوضاع سیاسی-اجتماعی این کشور را تشدید کرد.

پیروزمندان پس از مدتی به اعتراف به غیرواقعی بودن مطالبات غرامت خود از المان مجبور شدند. پس از کنفرانس صلح پاریس، جلسه‌های بین‌المللی زیادی برگزار گردید که در آن‌ها مسائل مربوط به غرامت‌ها (مبلغ کل، زمان پرداخت‌ها، امکان ارائه مهلت و غیره) و همچنین، رژیم اشغالگری اقتصاد المان و شرایط عمومی آن مورد بحث قرار گرفت. این موضوعات در دستور کار کنفرانس سال ۱۹۲۲ در جنوا [ایتالیا] نیز قرار گرفت.

در پائیز ۱۹۲۳، بحث در مورد مسائل غرامت به سطح جدیدی رسید. لندن هرج و مرج فزاینده در المان را خطری برای کل اروپا، از جمله انگلستان ارزیابی کرد. در ۱۲ اکتوبر، لندن با ارسال درخواست رسمی به امریکا، برگزاری یک جلسه بین‌المللی در مورد غرامت با مشارکت الزامی واشینگتن را به شریک خارجی خود پیشنهاد کرد. شایان ذکر است که درخواست لندن همچنین بر این واقعیت متمرکز بود که راه حل مشکل غرامت بر توانائی متحدان اروپائی برای

بازپرداخت تعهدات خود به امریکا در مورد وام‌ها و اعتبارات نظامی تأثیر مستقیم خواهد داشت (واشینگتن از غرامت المان امتناع کرد، اما قصد نداشت در مورد وام و اعتبار هیچ کمکی به متحدان خود بکند).

واشینگتن با نادیده گرفتن بسیاری از جزئیات، دعوت لندن برای پیوستن به حل و فصل مسائل مربوط به غرامت المان را پذیرفت. یک کمیته بین‌المللی مرکب از کارشناسان غرامت (شامل چندین کمیته فرعی) تشکیل گردید. جلسات کمیته از ۱۴ جنوری تا ۹ اپریل ۱۹۲۴ در لندن برگزار می‌شد. **چارلز دانوز (Charles Dawes) امریکائی**، وکیل سابق که در طول جنگ به درجه جنرالی رسید، به عنوان رئیس اولین کمیته فرعی (که کار اصلی کل کمیته در آن متمرکز بود) تعیین شد. دانوز با محافل بانکی (گروه مورگان) مرتبط بود. توجه کارشناسان روی موضوع تثبیت مارک المان متمرکز شده بود. سرمایه امریکائی المان را به عنوان یک حوزه بالقوه مهم برای سرمایه‌گذاری تلقی می‌کرد، اما چنین سرمایه‌گذاری به ثبات پول ملی نیاز داشت. انگلیس از این که کاهش قیمت به تحریک صادرات المان کمک می‌کرد، نگران بود. کالاهای المانی در بازارهای جهانی در مقایسه با کالاهای انگلیسی رقابتی‌تر بودند.

تصمیمات این کمیته در قالب سندی به نام «گزارش کارشناسی» که بعدها به «طرح دانوز» معروف شد، رسمیت یافت. یکی از مفاد اصلی این طرح نتیجه‌گیری در مورد لزوم بازگرداندن وحدت مالی و اقتصادی المان به عنوان پیش‌شرط تثبیت مارک بود. پیشنهاد شد برای تقویت مارک، وام بین‌المللی به مبلغ ۸۰۰ میلیون مارک به المان سازماندهی شود. برخی از انواع تضمین وام- عوارض گمرکی، مالیات غیرمستقیم و سودآورترین موارد بودجه دولتی نیز مشخص شد. پیشنهاد شد که کمیسیون غرامت یک شرکت سهامی تأسیس کند تا تمام خطوط راه‌آهن المان به مدت ۴۰ سال به آن واگذار شود. تمام کارکردهای ضرب پول در المان قرار بود به بانک تحت کنترل متفقین واگذار شود. به این ترتیب، کل اقتصاد المان تحت کنترل متفقین قرار گرفت.

با این حال، در طرح دانوز احیای اقتصاد المان در حدی که قادر به انجام تعهدات غرامتی خود باشد، پیش‌بینی شده بود. ظاهراً متحدان (عمدتاً امریکا و انگلیس) متوجه شدند که المان بدون کمک مالی خارجی قادر به پرداخت غرامت نخواهد بود. به عبارت دیگر، ابتداء لازم بود گاو خسته را کمی سیر کنند و سپس آن را بدوشند. طرح دانوز در واقع، یک پیروزی برای بلوک انگلیسی-امریکائی بر فرانسه بود. این طرح پاریس را وادار کرد تا روش‌های «اقدام مستقیم» را که تقریباً «گاو» المانی را می‌کشت و اروپا را به سمت جنگی جدید سوق می‌داد، کنار بگذارد.

«طرح دانوز» بالاخره در کنفرانس لندن از جولای تا اگست ۱۹۲۴ مورد توافق نهائی قرار گرفت و تصویب شد. در این جلسه چهره‌های جدید زیادی حضور داشتند. انگستان را جیمز مک دونالد، نخست وزیر جدید (اولین نخست وزیر از حزب کارگر در تاریخ این کشور) نمایندگی می‌کرد. او در جنوری ۱۹۲۴ به قدرت رسید و جایگزین بالدوین شد. در فرانسه، در ماه مه ۱۹۲۴، پوانکاره جایگزین ادوارد هریوت، نخست وزیر عهده‌دار ریاست دولت به اصطلاح «بلوک چپ» شد.

نتایج کنفرانس لندن به این واقعیت منتهی شد که پس از برخی شفاف‌سازی‌ها، «طرح دانوز» به تصویب رسید. این کنفرانس روش راه‌های حل مستقل (یک‌جانبه) برای مسائل غرامت توسط فرانسه را رد کرد. تصمیم گرفته شد که فرانسه ظرف یک سال نیروهای اشغالگر را از خاک المان خارج کند. قابل توجه است که امریکا از زمان کنفرانس لندن در سال ۱۹۲۴ به عنوان یک داور فعال در روابط انگلیس و فرانسه عمل کرد. به ویژه، یک کمیسیون داوری تشکیل گردید که المان می‌توانست در مورد مسائل مربوط به پرداخت غرامت و تدارکات به آن درخواست ارائه دهد. رأی نماینده امریکا در این کمیسیون قطعی و تعیین‌کننده بود. مفهوم آنگلو-ساکسونی «ترمیم اقتصاد المان» جایگزین دکترین فرانسوی «سرکوب اقتصادی المان» شد.

افزایش احتمالی رقابت کالاهای المانی در بازارهای جهانی متحدان اروپایی و اشینگتن را دچار مشکل کرد. هیچ کدام از آن‌ها نمی‌خواستند جا باز کنند و در اینجا متفقین کاملاً متفق‌القول بودند که بازار شوروی باید به «خروجی» اقتصادی خارجی المان تبدیل شود. حیل‌گیری «طرح دائوز» این بود که نه تنها «فشار» المان را بر بازارهای سنتی که کشورهای متحد در آن‌ها مستقر شده بودند، کاهش داد، بلکه هدف آن حل «مسئله روسیه» به روش مفید برای متحدان بود. به گفته تدوین‌کنندگان این طرح، ورود کالاهای المانی به بازار دولت شوروی، تضمین قابل اعتماد این بود که اتحاد جماهیر شوروی از نظر اقتصادی کشوری ضعیف باقی می‌ماند. به گفته نویسندگان طرح دائوز، قرار بود رقابت المان هرگونه تلاش مسکو برای ایجاد یک اقتصاد قوی و مستقل را خنثی کند.

ستالین ماهیت ضد شوروی «طرح دائوز» را فوراً تشخیص داد. او در گزارش خود به کنگره چهاردهم حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) در ۱۴ دسامبر ۱۹۲۵ خاطر نشان کرد: «هدف طرح دائوز که در امریکا تهیه شده، این است، که اروپا می‌خواهد بدهی‌های ملی خود به امریکا را به حساب اخذ غرامت از المان بپردازد. اما از آنجائی که المان نمی‌تواند کل این مبلغ را از هوا تهیه کند، باید از آن بخش از بازارهای آزاد، که توسط دیگر کشورهای سرمایه‌داری اشغال نشده، یعنی از جائی که می‌تواند نیروی تازه و خون تازه برای پرداخت غرامت بمکد، به دست آورد. در اینجا، امریکا علاوه بر تعدادی از بازارهای ناچیز، بازار روسیه ما را نیز در نظر دارد. طبق طرح دائوز، این بازارها باید در اختیار المان قرار گیرند تا آن بتواند برای پرداخت غرامت به اروپا و همچنین، برای پرداخت بدهی دولتی خود به امریکا، منبع درآمدی داشته باشد. ستالین با تشریح «طرح دائوز»، بخش مربوط به کشور ما را «تصمیم در مورد مال بی‌صاحب» خواند. «چرا؟ برای این که ما اصلاً نمی‌خواهیم برای هیچ کشور دیگری، حداقل برای المان، به یک کشور کشاورزی تبدیل شویم. ما خودمان خودرو و سایر وسایل تولید، تولید خواهیم کرد. بنابراین، اگر خیال کرده‌اند که ما با تبدیل کشورمان به یک کشور کشاورزی در رابطه با المان موافقت خواهیم کرد، یعنی این طرح خودسرانه تدوین شده. یعنی این بخش طرح دائوز روی پاهای گلین ایستاده است».

محاسبات تهیه‌کنندگان طرح دائوز برای استفاده از اتحاد جماهیر شوروی در جهت منافع غرب شکست خورد. «طرح دائوز» انگیزه اضافی شد برای آماده‌سازی اتحاد جماهیر شوروی به صنعتی شدن.

به برکت «طرح دائوز»، جمهوری وایمار به پرداخت حداقل غرامت قادر شد. در طول دوره «طرح دائوز» از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹، المان بیش از ۱۰ میلیارد مارک غرامت پرداخت. قدرت‌های پیروز توانستند وام‌های نظامی دریافتی از امریکا را پرداخت نمایند. در عین حال، پمپاژ فعال وام‌ها به اقتصاد المان به وقوع پیوست. در سال اول اجرای «طرح دائوز»، المان مجبور بود به طور مستقل فقط ۲۰۰ میلیون مارک طلا بپردازد، مابقی توسط وام پوشش داده شد. تا سال ۱۹۲۹، بالغ بر ۲۱ میلیارد مارک وام، عمدتاً از سوی امریکا در اختیار المان قرار گرفت. در ایالات متحده امریکا، در ۱۰ اکتوبر ۱۹۲۴، مجوز اعطای وام تثبیت مارک المان که مبلغی بسیار بیشتر از ۸۰۰ میلیون مارک پیش‌بینی شده در این طرح را به همراه داشت، در عرض ۱۲ دقیقه صادر شد. بر اساس محاسبات **و. لینک، نویسنده المانی**، المان تنها در مدت ۵ سال (۱۹۲۹-۱۹۲۴) ۱۳۵ وام کوتاه مدت به ارزش ۱۵ میلیارد دلار از امریکا دریافت کرد. **شاخت، باتکدار المانی** و یکی از مجریان «طرح دائوز»، در سال ۱۹۲۹ اظهار داشت: «المان در مدت ۵ سال درست به اندازه امریکا در ۴۰ سال قبل از جنگ جهانی اول، وام خارجی دریافت کرد. برخی از پژوهشگران تاریخ می‌گویند که «طرح دائوز»، غرامت‌ها را به طور جدی حذف کرد. در واقع، در همان دوره بیش از دو برابر غرامت‌های پرداختی، وام دریافت کرد. یعنی، غرامت‌ها نه از منابع داخلی، بلکه از منابع خارجی پرداخت می‌شد.

«طرح دائوز» به مثابه تضمین کافی برای واردات سرمایه به المان در نظر گرفته شد. امریکا به سرمایه‌گذاری فعال شروع کرد. ۷۰ درصد از ۲۷ میلیارد مارک سرمایه‌گذاری شده در قالب وام در صنعت المان تا اواسط سال ۱۹۳۰، امریکائی بود.

این میزان سرمایه‌گذاری در صنعت المان چنان امکاناتی فراهم آورد که توانست پایه‌مادی خود را به طور کامل تجهیز نموده و زمینه بازسازی تولیدات نظامی خود را آماده کند. به موازات این، فن‌آوری‌های به المان فروخته می‌شد که تولیدات نظامی را تضمین می‌کردند و صنعتگران امریکائی صاحب اکثر شرکت‌ها بودند. در سال ۱۹۲۹، بخش بزرگی از صنایع المان در اختیار شرکت‌های مختلف امریکائی بود. «ستندرد اوپل» (راکفلرها) صنعت پالایش نفت المان و تولید بنزین مصنوعی از زغال سنگ را کنترل می‌کرد. مورگان مالک صنایع کیمیائی و شرکت داروسازی **ای‌گه فارین** بود. ۴۰ درصد از شبکه تیلیفون و ۳۰ درصد از سهام شرکت هواپیماسازی «فوکه ولف» المان را شرکت ارتباطات امریکائی کنترل می‌کرد. مورگان از طریق «جنرال الکتریک»، صنایع رادیو و برق المان وابسته به شرکت‌های «AEG»، «زیمنس» و «اوسرام» را کنترل می‌کرد. شرکت اوپل از طریق جنرال موتورز کنترل می‌شد. ساخت کارخانه فورد در کلن در سال ۱۹۲۹ آغاز شد. در زمان به قدرت رسیدن هیتلر، بخش‌های کلیدی صنایع المان مانند پالایش نفت و تولید سوخت مصنوعی، کیمیائی، خودروسازی، هوانوردی، مهندسی برق و ساخت وسایل رادیویی، بخش مهمی از مهندسی مکانیک تحت کنترل کامل سرمایه‌مالی امریکا بود. در مجموع ۲۷۸ شرکت، کمپانی و همچنین، بانک‌های کلیدی مانند «دویچه بانک»، «درسدنر بانک»، «دونات بانک» و تعدادی دیگر توسط شرک‌های امریکائی کنترل می‌شد. رالف اپرسون، محقق امریکائی، با ارزیابی نتایج «طرح دائوز» نوشت: **«بدون سرمایه‌وال استریت، نه هیتلر به قدرت می‌رسید و نه جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتاد»** (ر. اپرسون، دست‌های پنهان، چاپ دوم سن پترزبورگ، ۱۹۹۹ ص ۲۹۴).

«طرح جوان» که در سال ۱۹۲۹ جایگزین «طرح دائوز» شد، گام بعدی در آماده‌سازی المان برای به قدرت رسیدن هیتلر و شروع جنگ جهانی دوم بود. در باره طرح جدید به طور جداگانه خواهیم نوشت.

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه

یادآوری مترجم:

۱- تمام نکات داخل [...] از مترجم است؛

۲- کلمات و عبارات آبی رنگ، پیوند منابع مورد استناد هستند.

۶ اسفند- حوت ۱۴۰۲